

قانون و مبانی هستی‌شناختی آن در فلسفه سیاسی شهید صدر

ک. منصور شاطری / کارشناس ارشد علوم سیاسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره

yashakarbala1391@yahoo.com

محسن رضوانی / استادیار گروه علوم سیاسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره

rezvani@yahoo.com

پذیرش: ۹۴/۱۱/۱۵

دریافت: ۹۴/۵/۶

چکیده

قانون یکی از اصلی‌ترین موضوعات فلسفه سیاسی به‌شمار می‌آید. ارائه قوانین منسجم و کامل یکی از معیارها و راهکارهای ارزیابی یک فلسفه سیاسی مطلوب به‌شمار می‌آید. قوانینی کامل و خوب هستند که از یک‌سو، همه عرصه‌های جامعه سیاسی را دربر بگیرند، و از سوی دیگر، منطبق بر هستی‌شناسی و انسان‌شناسی واقعی باشند. در این پژوهش انواع قوانین در نظام سیاسی اسلام از منظر شهید سید محمدباقر صدر بررسی شده است. در عرصه حکومتی، قوانین ثابت اسلام، دارای نظام‌واره‌ای ثابت و منطبق بر ویژگی‌های ثابت عالم هستی بوده، نیز دارای ویژگی متغیر و منطبق با شرایط متغیر زمانه است. این ویژگی‌ها سبب شده است قوانین اسلام مبتنی بر مهم‌ترین مبانی خداشناسی و انسان‌شناسی باشند و دارای ویژگی همه‌زمانی و همه‌مکانی و جامعیت باشند. قوانین اسلام به‌سبب تطابق با قوانین طبیعت و هستی و نیز به‌سبب انطباق با قوانین فطری انسان، مطلوب‌ترین و جامع‌ترین قوانین به‌شمار می‌آیند.

کلیدواژه‌ها: فلسفه سیاسی، قوانین، سنن، منصوص، تشریحی، منطقه‌الفراغ، قانون اساسی.

مقدمه

سیاسی شهید صدر، کار قابل تأملی وجود ندارد. یکی از جنبه‌های نوآوری ایشان پرداختن به مبانی و پایه‌های هستی‌شناسانه و انسان‌شناسانه قوانین است. هدف این پژوهش بررسی مهم‌ترین قوانین فلسفه سیاسی اسلام از منظر شهید صدر، چه قوانینی است؟ مهم‌ترین مبانی هستی‌شناختی و انسان‌شناختی قوانین چه چیزهایی است؟ قوانین تکوینی چه قوانینی و دارای کدام مبانی هستی‌شناختی و خداشناختی هستند؟ قوانین تشریحی چند گونه و دارای چه مبانی هستی‌شناختی و انسان‌شناختی هستند؟ قانون اساسی مطلوب برای نظام سیاسی اسلامی در این زمانه از منظر شهید صدر، دارای چه شاخصه‌ها و مبانی خاصی است؟ این پژوهش ابتدا به بررسی قوانین تکوینی مندرج در عالم می‌پردازد، سپس نحوه و مبانی قوانین تشریحی مورد نیاز نظام سیاسی را مورد بررسی قرار می‌دهد. آنگاه توضیح مختصری درباره قانون اساسی «جمهوری اسلامی» و مبانی آن می‌دهد.

قوانین تکوینی

شهید صدر با توجه به مبنای هستی‌شناختی خود، بر این عقیده است که خداوند متعال، خالق و ربّ تمام هستی است و لحظه به لحظه به عالم، وجود اعطا می‌کند. بدین‌روی، کل طبیعت را طبق قانون خاصی قرار داده است که تکوین یابد، رشد کند و سرانجام نابود شوند. این قوانین حوزه وجودی انسان را نیز شامل می‌شود. خداوند متعال تمام پیکره آسمان‌ها، زمین، موجودات، نباتات و انسان‌ها را بر عدل، عدالت و اعتدال آفریده و چون او عالم به جمیع مصالح و مفاسد است، عالم هستی را مطابق مصالحی آفریده که کمترین مفسده‌ای بر آن مترتب نشود.

ترسیم و ارائه جامعه مطلوب مهم‌ترین وظیفه فلسفه سیاسی به‌شمار می‌آید. پس از تأسیس جامعه مطلوب، مهم‌ترین مسئله، قانون و قانون‌گذاری است. افلاطون به‌عنوان یکی از مهم‌ترین فلاسفه سیاسی یونان باستان، برای اداره جامعه مطلوب خود، دست به تدوین کتاب قوانین زد؛ زیرا جامعه مطلوب برای تداوم خود، نیاز به قانون دارد. نظام سیاسی و جامعه در صورتی می‌تواند به بقا و سعادت دنیوی و اخروی خود دست یابد که بتواند جامع‌ترین قوانین را، که منطبق با طبیعت و ساختار وجودی واقعی انسان باشد، ارائه دهد. مبانی هستی‌شناختی و انسان‌شناختی هر فیلسوف سیاسی جهت‌دهنده نوع نظام سیاسی مطلوب اوست. اگر فیلسوف سیاسی انسان را ذاتاً شرور و غیرقابل اصلاح بداند جامعه سیاسی و نظام مطلوب خود را طبق آن، به گونه‌ای بنا می‌کند که بتواند چنین انسانی را به سعادت برساند. ولی اگر فیلسوف سیاسی انسان را به گونه‌ای دیگر تصویر نماید، مطمئناً نوعی دیگر از جامعه و نظام مطلوب را برای سعادتش ارائه می‌دهد. در طول تاریخ فلسفه سیاسی اسلام نیز برخی فیلسوفان سیاسی همچون فارابی، خواجه نصیرالدین طوسی به تدوین نظام مطلوب و نحوه اداره آن پرداخته‌اند. شهید آیت‌الله سید محمدباقر صدر یکی از کسانی بود که در صدد ارائه نظام مطلوب منطبق بر زمانه خویش بود. به تبع آن، قوانین نیز یکی از مسائل مهم فلسفه سیاسی ایشان محسوب می‌گردد. هرچند مقاله «تأثیر افکار شهید صدر بر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران» در صدد بررسی تأثیر افکار شهید صدر بر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد، اما در زمینه بررسی انواع قوانین و نقش مبانی در اندیشه

ویژگی‌های قوانین تکوینی

۱. قانون طبیعی به گونه‌ای فرمول‌بندی شده است که اراده انسانی در شکل‌گیری، رشد و زوال آن هیچ نقشی ندارد. اختیار انسان در محدوده اعمال اختیاری خود اوست و می‌تواند بر موافق با قوانین هستی باشد یا نباشد. وقتی خداوند هستی، افلاک و گردش سیارات را آفرید، خود او قوانینی را در آنها قرار داد که انسان را در قوانین مربوط به آنها راهی نیست. «قانون طبیعی» قانونی است که انسان در مقابل آن هیچ اختیار و قدرتی ندارد (صدر، ۱۴۲۱ق-ب، ص ۱۶).
۲. قانون تکوینی و طبیعی به گونه‌ای است که وقتی علت تامه پدیده‌ای رخ دهد، مسلماً آن واقعه طبیعی رخ می‌دهد و تخلف از آن امکان ندارد. قانون طبیعی، تخلف‌بردار نیست. بسیاری از عالمان نجوم می‌دانند در آینده، در فلان روز، فلان ساعت و فلان ثانیه، خورشید گرفتگی رخ می‌دهد. قانون طبیعی خلاف روبه و قانون خود عمل نمی‌کند؛ همان‌گونه که در حرکات سیارات و هر ذره‌ای در عالم وجود، هیچ تخلفی رخ نمی‌دهد (صدر، ۱۴۲۱ق-الف، ص ۱۳۲).
۳. قانون طبیعی به هیچ عنوان نفی‌کننده اراده، اختیار و آزادی انسان نیست. شهید صدر به روشنی بیان می‌کند که اگر فقط این نوع قانون در عالم هستی بود و غیر از آن هیچ قانون دیگری نبود حرف کسانی که مدعی اند انسان هیچ‌گونه اختیار و آزادی ندارد، درست بود. اما انواع دیگری از قوانین نیز در عالم هستی هست که تضمین‌کننده آزادی انسان است (صدر، بی‌تا، ص ۱۶۸-۱۷۰). این قوانین تکوینی نیز دارای انواعی است که در بیشتر آنها، امکان مخالفت انسان با آن قوانین وجود دارد. از این رو، نبود آزادی انسان در این نوع قوانین تکوینی به معنای سلب کلی آزادی نیست.
۴. این قوانین حتمی و تکوینی که در عالم هستی

«الهی بودن قوانین تکوینی» به معنای غیبی بودن و جدا بودن از اسباب و مسببات نیست، بلکه به این معناست که در عالم هر اتفاقی از مجرای قانون علت و معلول، یا اسباب و مسببی وجود می‌یابد و تمام این علل نیز تکوین یافته از سوی خداست. از این رو، انسان نیز جدا از حیطه رفتاری خود، برای تکوین، رشد و زوال خود، در حالت عادی طبیعت، به پدر و مادر نیاز دارد و اینکه مدتی در رحم مادر قرار داشته باشد تا روح در آن دمیده شود و پس از مدتی به دنیا بیاید و رشد خود را طی کند. از این رو، قوانین تکوینی را قوانینی می‌داند که خداوند حکیم، عالم و توانا در متن عالم هستی قرار داده است. قوانین تکوینی به گونه‌ای است که خداوند هنگام تحقق شرط و وجود علت، معلول را در پی آنها ایجاد می‌کند. قوانین تکوینی و نظام تکوینی، جدا از اراده و خواست انسانی وجود دارد؛ مانند نظامی که در یک گیاه، یا بدن انسان است. سلول‌ها هر یک در نظام زیست گیاه یا انسان نقش خاصی دارند و عمل خاصی انجام می‌دهند. درخت یا گلی که در محیط آزاد یک پژوهشگر کاشته شده است، پیش از اینکه پژوهشگران به محیط گام بگذارند یا آن را بشناسند، بوده است و بعد از آنها نیز خواهد بود، اما طریقه پژوهش و موضوعات پژوهشی بدون آگاهی و اراده انسان‌ها تحقق نمی‌یابد. از این رو، اعضای بدن افرادی که در پژوهشگر مشغول کارند و یا اعضای یک درخت، با اراده و خواست انسان‌ها عمل نمی‌کند و انسان‌ها تنها قادر به شناسایی پیچیدگی‌ها و روابط منظم و سازمان یافته اجزای آنها هستند. بدین‌روی، قوانین تکوینی، تحققشان قطعی و حتمی است و انسان در تحقق یا عدم تحقق آنها نقشی ایفا نمی‌کند؛ مثلاً، حرکت خورشید و خسوف یا کسوف، قانون و اتفاقی حتمی و غیرقابل تخلف است (صدر، بی‌تا، ص ۱۶۷-۱۷۱).

عمومیت و کلیت این قوانین، سنن تاریخ را جنبه علمی می‌بخشد؛ زیرا قوانین علمی مهم‌ترین امتیازش این است که فراگیر است و کلیت دارد و قابل تخلف نیست (صدر، بی‌تا، ص ۱۳۹). متون صریح قرآن ما را به ویژگی «استمرار» و «کلیت» قوانین الهی واقف می‌گذراند و به آنها جنبه اصالت علمی می‌بخشد (صدر، بی‌تا، ص ۱۴۰).

۷. قوانین تکوینی در انسان‌ها بصیرت و آگاهی ایجاد می‌کند. جمع‌بندی تمام قوانین تکوینی و تدبیر خداوند متعال در این نکته نهفته است. خداوند متعال با ایجاد این قوانین تکوینی حتمی، زمینه رشد اختیاری انسان را فراهم نموده است. انسان وقتی می‌بیند قوانین حتمی و غیرقابل تخلفی در عالم وجود دارد، درصدد شناخت آنها برمی‌آید و سعی می‌کند منطبق بر آنها حرکت کند و جامعه و نظام سیاسی خود را با آنها تطبیق دهد. چنین انسان دانایی به گونه‌ای آگاهانه، سعادت دنیا و آخرت خود را با هماهنگی و مطابقت با این قوانین به دست می‌آورد. شهید صدر به واسطه این معرفت و حیانی (ق: ۳۶-۳۷؛ محمد: ۱۰؛ یوسف: ۱۰۹؛ حج: ۴۵ و ۴۶؛ جن: ۱۶؛ اعراف: ۹۶؛ سبأ: ۳۴-۳۵؛ کهف: ۵۹؛ رعد: ۱۱) بیان می‌دارد که قرآن همواره به ما و عقول تمامی بشر هشدار می‌دهد (صدر، بی‌تا، ص ۱۳۷) که بر عالم هستی، سنن و قوانینی حاکم است، و برای اینکه انسان بتواند بر سرنوشت خود حاکم شود و حکومت و جامعه سیاسی موفقی داشته باشد، لازم است این سنت‌ها و قوانین را بشناسد و آنها را رعایت کند. در انسان‌های مسلمان احساسی برمی‌انگیزد تا حوادث تاریخی را پی‌گیری کنند و با بصیرت و آگاهی، آنها را بپذیرند، نه کورکورانه، و با منطق با آنها برخورد کنند، نه اجباراً تسلیم آنها شوند (صدر، بی‌تا، ص ۱۳۹-۱۴۰).

در اینجا، به برخی از مصادیق بارز قوانین تکوینی اشاره می‌شود:

اتفاق می‌افتد، همگی به اراده خداست و هیچ‌کس دیگری در آن نقشی ندارد. هستی‌شناختی شهید صدر اقتضا دارد بیان کند که اگرچه خداوند انسان را آفریده و او را خلیفه خود بر روی زمین قرار داده و جهان را مسخر او کرده، اما این بدان معنا نیست که خداوند انسان و عالم دنیا را به حال خود رها کرده و در گوشه‌ای نشسته است. از سوی دیگر، اگر انسان بتواند خدا را دریابد و او را احساس کند زمانی می‌تواند از نظم کامل جهان در میدان‌های گوناگون قوانین و سنت‌های حاکم بر طبیعت برخوردار باشد که از خدا فاصله نگیرد؛ زیرا خداوند قدرتش را از خلال همین قوانین اعمال می‌کند. این قوانین «ارادة الله» هستند و حکمت و تدبیر او را در عالم تجسم می‌بخشند. سنن تاریخی ربانی است؛ یعنی مربوط به خداست... یک قاعده الهی است...؛ یعنی حتی وقتی انسان می‌خواهد از طبیعت برخوردار شود به «الله» وابسته است (صدر، بی‌تا، ص ۱۴۱).

۵. قوانین تکوینی عمومی، استثناپذیر و فراگیرند و به عقیده شهید صدر اتفاقی و کورکورانه نیستند، بلکه وضعی ثابت و غیرقابل تخلف دارند و تا وقتی جهان در وضع عادی بر منوال طبیعی کیهانی‌اش سیر می‌کند و تغییری در آن مشاهده نمی‌شود، عمومیت و کلیت این قوانین مستمر است. کسانی که گمان می‌کنند قوانین تکوینی الهی است و خدا برای آنها استثنایی قایل می‌شود، در اشتباه محض به سر می‌برند. قوانین تکوینی خدا در همه جای عالم هستی استثنانپذیر و عمومی می‌باشد و جاری و ساری است (صدر، بی‌تا، ص ۱۳۹).

۶. قوانین تکوینی حتمی و علمی هستند. وقتی خداوند متعال، که علم و حکمت محض است و قوانینی را در عالم قرار می‌دهد که عمومی، ثابت و حتمی است، لازمه‌اش علمی بودن و قابل پیش‌بینی بودن آن قوانین است. علمی بودن لازمه قطعی کلیت و عمومیت است.

۱۳۵، ۲۶۶-۲۶۷) هرچند جزو قوانین تکوینی هستند و شامل شرط و جزایند، اما در حوزه اراده انسانی نیز قرار می‌گیرند و انسان می‌تواند با رعایت یک قاعده، از نابودی جامعه سیاسی - اجتماعی خود جلوگیری نماید.

ب. قوانینی که در قالب قضایای فعلیه قطعیه ارائه می‌شوند و مربوط به قوانین طبیعی و تجربی هستند؛ همچون گردش زمین به دور خورشید که به صورت قوانین و قضایای علمی درمی‌آیند. انسان نمی‌تواند در این قضایا، تغییری بدهد؛ زیرا قضایایی هستند که به صورت بالفعل تحقق یافته‌اند. نکته مهم آنکه این‌گونه قضایا و قوانین تکوینی از حوزه اختیار بشر بکلی خارجند و ارتباطی با اراده انسان و سرنوشت سیاسی - اجتماعی و تاریخی او ندارند.

ج. قوانین تکوینی که در نهاد و درون انسان نهاده شده است و انسان می‌تواند مطابق آنها عمل کند و قوانینی لازمه آنها را وضع کند و به سعادت برسد، و یا با آنها مخالفت کند. البته می‌تواند مخالفت کند، اما به نابودی انسان و جامعه انسانی منجر می‌شود؛ مثلاً، دین‌داری و گرایش به دین که درون انسان نهاده شده است؛ گرایش و جاذبه زناشویی؛ و نیاز طبیعی زن و مرد به دو نوع رفتار در زندگی (کارهای بیرون و سخت به عهده مرد و کارهای پرستاری و جاذبه مادری به عهده زن) (صدر، بی‌تا، ص ۱۷۴).

بنابراین، خداوندی که سنن تاریخ و قوانین تکوینی در طبیعت و وجود انسان را با حکمت و منطبق بر علم، قدرت، حیات و بیشترین مصالح آفریده است و آن را اداره می‌کند، مالکیت و حاکمیت فراگیر نیز حق اوست (سنند، ۱۴۲۶ق، ص ۶۲). جامعه و نظام سیاسی، که زیرمجموعه و ذیل عالم هستی است، در صورتی مشروع است که با اذن خدای متعال برقرار شود یا در سطحی نازل‌تر، حکومت منطبق بر قوانین تکوینی و تشریحی

الف. قوانین تکوینی، مانند قوانین فیزیک، شیمی، زیست‌شناسی، فیزیولوژی، بیولوژی (صدر، بی‌تا، ص ۱۴۸)، کیهانی، و قانون جاذبه (صدر، ۱۴۲۰ق، ص ۲۲۷) از طرف خدا هستند و حیطة آنها می‌تواند تمام مظاهر جهان و عالم طبیعت باشد. این قوانین، تکوینی بوده و پدیده‌ها تحت تأثیر قوانینی متناسب با نوع خودشان هستند. همه این قوانین تحت قانون علیت هستند؛ علیتی که هر علتی، خود معلول علت دیگر است، تا در نتیجه فراهم شدن مقدماتی، معلول پدید بیاید. برای نمونه، جوش آمدن آب، معلول علتی خاص است که در شرایط خاص آن رخ می‌دهد (صدر، بی‌تا، ص ۱۵۲). این پدیده در دو حالت ممکن است رخ بدهد:

حالت اول این است که جوش آمدن آب با نزدیک شدن آتش به منبع آب، در طبیعت رخ بدهد و انسان و اراده انسانی هیچ نقشی در آن نداشته باشد. در این صورت، این پدیده صرفاً پدیده‌ای طبیعی به‌شمار می‌آید. حالت دوم این است که اراده انسانی در کنار پدیده‌ای - مثلاً - فیزیکی قرار گیرد. در این حالت، این پدیده با توجه به حضور انسان، دارای هدف و حوزه‌ای است، خواه شخصی است و خواه عمومی؛ یعنی گاهی این پدیده در حوزه و حریم خصوصی شکل می‌گیرد و گاهی در اجتماع، که در این صورت این عمل، اجتماعی است و همه اطرافیان نسبت به آن - مثبت باشد یا منفی - مسئولند.

شناخت این قوانین کمک بسیاری به رشد و سعادت بشر می‌کند و انسان می‌تواند با توجه به مصالح و مفاسد رعایت یا عدم رعایت آن قوانین، اقدام به اعتبار و تشریح قوانین کند. قانون وابستگی «تولید فراوان» به «عدالت در توزیع»، قانون ارتباط «فساد فاسقان» و «نابودی یک جامعه» (صدر، بی‌تا، ص ۱۶۶) و رابطه بین «دادگستری و عدالت و تقوا» و «شکوفایی طبیعت» (صدر، بی‌تا، ص

عناصر ثابت، و عناصر متحول (صدر، بی‌تا، ص ۲۸۰).
 اما سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که شهید صدر با توجه به کدام یک از مبانی معرفت‌شناختی، هستی‌شناختی و یا انسان‌شناختی خود، به این تقسیم‌بندی اقدام کرده است؟ چرا خداوند برخی از قوانین (قوانین منصوص و ثابت) را قطعی و ثابت قرار داده و هیچ‌گونه اجازه‌تغییری به انسان نداده است؟ و در برخی دیگر از قوانین (قوانین متغیر و منطقه‌الفراغ)، اجازه‌تغییر (در حدودی که با قوانین ثابت تضادی نداشته باشد) به انسان داده است؟ در اینجا به تقسیم قوانین تشریحی می‌پردازیم:

الف. قوانین منصوص و لایتغیر

قوانین منصوص و لایتغیر به نظر شهید صدر، همان احکام اولیه و منصوصات هستند که دایمی و ثابت برای تمام افراد در همه‌زمان‌ها هستند و خداوند متعال شارع اصلی آنهاست. این قوانین توسط پیامبران و از جمله پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بیان و به مردم ابلاغ شده‌اند. به عبارت دیگر، آن دسته از قوانین اسلامی هستند که مشتمل بر احکام عام منصوص و دارای جنبه‌استمرار و پایداری در تشریح اسلامی هستند (صدر، بی‌تا، ص ۲۸۰).

به بیان دیگر، قوانین منصوص، قوانینی توفیقی هستند که هیچ‌گونه تبدیل و یا تغییری در اصل آنها جایز نیست؛ زیرا این احکام به گونه‌ای هستند که دربرگیرنده تمام مقتضیات و احوال هستند و بدون هیچ‌گونه تصرف و یا تغییری باید به آنها عمل کرد. اینها احکام الزام‌آوری هستند که برای تمام افراد انسانی، حکومت، تمام ساختارهای حکومتی و هر جا که محدوده‌قلمرو انسانی باشد، ساری و جاری هستند؛ مثل حکم شرعی الزام دولت اسلامی به فراهم آوردن آنچه در توان دارد، از نیرو برای مواجهه با دشمنان اسلام در همه‌سطوحی که امکان مواجهه با دشمنان

خداوند متعال باشد. شهید صدر اولاً، حکومت را در صورتی مشروع می‌داند که بر پایه‌قوانین الهی و منطبق بر آنها شکل گرفته باشد. ثانیاً، دانستن بسیاری از سنن الهی موجود در تاریخ، سبب هدایت و سعادت دنیوی و اخروی انسان می‌شود. ثالثاً، قوانین تشریحی منطبق بر قوانین تکوینی و مصالح و مفاسد واقعی است.

قوانین تشریحی

خداوند متعال با توجه به اینکه خالق، ربّ و مربی انسان است، به نیازهای روانی، طبیعی، مادی و معنوی، مبدأ و معاد انسان آگاهی کامل دارد؛ همانند هر سازنده‌کالایی در دنیا، برنامه‌ای تدوین نموده است که اگر انسان مطابق آن رفتار کند به سعادت دنیوی و اخروی خود نایل می‌گردد (بقره: ۳۸). از این رو، مؤلف و ایجادکننده‌قوانین تشریحی، خداوند متعال و اذن اوست. شهید صدر از این قوانین به عنوان «اراده‌تشریحی خدا» (صدر، بی‌تا، ص ۱۷۵) یاد می‌کند که در طول تاریخ، از عالم بالا، از سوی خدای اعلا به واسطه فرشته وحی بر پیامبران نازل شده، و به مردم ابلاغ گردیده است (شوری: ۱۳). این قوانین مدون از سوی خدا، منطبق با دین‌داری و فطرت تکوینی الهی نهاده شده در سرشت بشر است (روم: ۳۰) و هماهنگی فطرت و شریعت، انسان را به سعادت دنیا و آخرت می‌رساند.

قوانین تشریحی به دو قسم تقسیم می‌شوند:

قوانین و دستورات منصوص و ثابت در شریعت الهی که همواره ثابت و استوارند، هرچند آنها نیز سهله و سمحه هستند؛ بدین معنا که شرایط اکراه، اضطرار، و بدیل‌های اضطراری در آنها رعایت شده است؛ و قوانین متغیر که در هر زمان و مکان، مطابق شرایط، قابلیت تغییر و تبدل دارند. شهید صدر می‌نویسد: ما معتقدیم تشکیلات تشریح اسلامی به طور کامل، مشتمل بر دو قسمت است:

۲. ثبوت در خلقت، ذاتیات و طبع انسانی: انسان موجودی دارای جسم و روح، و طبع و ذاتیات گوناگونی است که همواره در طول تاریخ ثابت بوده است. انسان امروز با انسان هزاران سال پیش در اصل نیاز به خدا، غذا، مسکن و همسر هیچ تفاوتی ندارد. از این رو، تا انسان، انسان است و روی زمین قرار دارد دارای ذاتیات و صفات وجودی ثابتی است که اقتضای آن این است که احکام و قوانین ثابتی نیز داشته باشد. شهید صدر به صراحت، سه رابطه را برمی‌شمارد که در ذات تمام روابط، رابطه انسان در طول تاریخ، همواره ثابت بوده است. رابطه اول، «رابطه انسان با طبیعت» است که فقط شکل این رابطه همواره در حال تغییر، رشد و استمرار است (صدر، ۱۴۲۳ق، ص ۷۵۱). البته اصل و ذات این رابطه همواره ثابت بوده است. رابطه دوم، «رابطه انسان با انسان‌های دیگر» است که اصل آن نیز در طول تاریخ تغییر نکرده است (صدر، بی‌تا، ص ۲۷۹-۲۸۰؛ صدر، ۱۴۲۴ق، ص ۸۰۱)؛ زیرا کینه، محبت، حب ذات و تمام صفات انسانی همواره ثابت بوده است. رابطه سوم، «رابطه انسان با خدای خود» است که همواره ثابت بوده و در این رابطه، میان انسان عصر حجر و انسان عصر بخار تفاوتی نیست.

عبادات مانند ارتباط انسان با طبیعت نیست تا متأثر از تحولات باشد، بلکه عبادات همان رابطه بین انسان با پروردگارش است که اثر عمیق روحی در تنظیم رابطه انسان با انسانی دیگر دارد. در هر دو جانب می‌بایم که انسانیت در طول تاریخ، با بسیاری از نیازهای ثابت زندگی کرده است (صدر، ۱۴۲۳ق، ص ۷۵۱).

۳. وجود مصالح عمومی و ثابت: همان‌گونه که اصل وجود انسان در عالم خلقت و نیاز او به خدا، همسر، زندگی اجتماعی، غذا و لباس همواره ثابت است، بیشتر مصالح عمومی بشر، که مترتب بر این موارد نیز هست، همواره

اسلام وجود دارد (الحسینی، ۱۹۸۹ق، ص ۳۵۵). از این رو، تمام احکام و قوانینی که در اصل آنها ثبوت وجود دارد و از منابع اصلی دین اسلام، یعنی قرآن کریم، سنت، عقل و اجماع استنباط شده‌اند، قوانین منصوص هستند. با توجه به تعریف شهید صدر از قوانین متغیر و منطقه‌الفراغ، این احکام منصوص شامل احکام واجب و حرام هستند. «احکام منصوص»، احکامی هستند که در حالت عادی و طبیعی، برای موضوعات، حکم حرمت یا وجوب ایجاد می‌کنند و برای هیچ‌کس تغییر آنها جایز نیست.

هر حکمی که بر آن دلیل شرعی با این خصوصیت وجود داشته باشد که معین و ثابت باشد، داخل در احکام شرعی است؛ مثل حکم وجوب نماز و زکات و خمس و حج و امر به معروف و نهی از منکر و تمام احکامی که به تفصیل، در شریعت مقدس اسلام وارد شده است (الحسینی، ۱۹۸۹ق، ص ۳۵۵).

شهید صدر با توجه به مبانی خاصی به قوانین ثابت و منصوص التزام پیدا کرده است که به اجمال، به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱. اصل حاکمیت الهی و توحید: وقتی ثابت شد که خداوند متعال، یگانه خالق و ربّ عالم هستی است، پس اوست که به جمیع جوانب انسان و مصالح و مفساد او عالم است. دقت در توحید، ما را به این نتیجه می‌رساند که این خداوند عالم، مالک است و حق دارد برای انسان قوانین ثابتی را تشریح کند و به واسطه پیامبرانش به مردم ابلاغ کند.

وقتی خداوند متعال عالم به جمیع مصالح و مفسادی است که مرتبط با تمام جوانب حیات و زندگانی انسان است، از این رو، مطابق لطفی که نشئت‌گرفته از رحمت اوست، بهترین تشریح را که مطابق مصالح و مفساد در تمام جوانب زندگانی انسان است، ایجاد کرده است (صدر، ۱۴۲۱ق - د، حلقه الثانية، ص ۱۷۹).

و ثابت را برای قانون‌گذاری در خصوص ابعاد متغیر زندگی تعیین نموده است (الحسینی، ۱۹۸۹ق، ص ۳۵۶).
۵. انسان؛ دارای ویژگی طغیانگری و حبّ ذات: انسان به خاطر حبّ ذات، دوست دارد منافع و مصالح خود را بر دیگران برتری بدهد؛ دوست دارد مطابق طبع اولیه خود، بیشترین منافع نصیبش شود (صدر، ۱۴۲۰ق، ص ۵۵). از سوی دیگر، اگرچه انسان‌ها در ابتدا دارای وحدت بودند و مطابق فطرت الهی خود، وحدت منافع و مصالح داشتند و بدون هیچ‌گونه اختلافی با یکدیگر زندگی می‌کردند (صدر، ۱۴۲۱ق - الف، ص ۱۴۵)، اما پس از مدتی، به سبب طبع طغیانگری و هواهای نفسانی و ثروت‌اندوزی، انسان‌ها شروع به ظلم، فساد، خون‌ریزی کردند (صدر، ۱۴۲۱ق - الف، ص ۱۴۶). شهید صدر بیان می‌کند که تمام تناقضات میان انسان‌ها و جوامع انسانی ریشه در درون انسان دارد. اصلی‌ترین و ریشه‌ای‌ترین تناقض اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و مانند آن در درون انسان، میان مادی و خاکی بودن انسان و میان الهی بودن اوست (صدر، بی‌تا، ص ۲۵۰-۲۵۲ و ۲۳۶). راه‌هایی انسان از این تناقضات و ریشه‌های آن، جهاد اکبر در حوزه فردی و اجتماعی و زنده کردن روح مسئولیت و خداواری انسان است (صدر، بی‌تا، ص ۲۳۶-۲۳۷ و ۲۵۲).

این ایده‌آل متعالی است که انسان از دیدگاه آن، خود را در برابر پروردگاری می‌بیند توانا، شنوا، بینا، و حسابگری که بر ستمگری‌هایش کیفر و بر نیکی‌هایش و عدالت‌هایش، پاداش می‌دهد. بنابراین، احساس درونی مسئولیت، که نوعی تغییر کیفی در مسیر انسان است، تنها راه‌حل تناقض و جدال ریشه‌دار در طبیعت و سرشت ذاتی انسانی است (صدر، بی‌تا، ص ۲۳۷).

از این‌رو، برای کنترل انسان از ظلم، طغیان و بی‌مسئولیتی در ارتباط با خدا، انسان‌های دیگر، طبیعت و

ثابت است. شهید صدر مصالح را به دو دسته عمومی و شخصی تقسیم می‌کند و همواره بر احیا، ثبات و لزوم بقای مصالح عمومی و اجتماعی تأکید می‌کند (صدر، ۱۴۲۳ق، ص ۷۰؛ صدر، ۱۴۲۱ق - ج، ص ۳۴۳)، حفظ مصالح عمومی و نظام اسلامی از مهم‌ترین وظایف حکومت اسلامی است.

۴. اسلام؛ دینی ابدی و جاودانی: بدین‌روی، باید دارای ساختار و محتوایی باشد که تا ابدیت و برای همه افراد و در همه نقاط جغرافیایی عالم، قدرت پاسخ‌گویی و اداره بشریت را داشته باشد. یکی از نقاط قوت دین جهانی اسلام، قوانین آن است. اگر تمام قوانین ثابت باشد، با تحول شرایط و اشکال زندگی در طی قرون گوناگون، گرفتار نقض در قانون خواهیم بود، و اگر همه قوانین متغیر و تابع شرایط باشد هرج و مرج و سلیقه اصل و اساس آن نظام و نظام دینی، اقتصادی، سیاسی را نابود می‌کند. از این‌رو، با توجه به جهانی و ابدی بودن دین اسلام، قوانین شامل دو بخش قوانین ثابت و قوانین متغیر است که قوانین متغیر با توجه به شرایط زمانی و مکانی و رعایت قوانین ثابت و شرایط دیگر وضع می‌شوند. به عبارت دیگر، باید اسلام و یا هر آیین و نظام سیاسی و فرهنگی قوانینی را به بشریت عرضه کند که قسمتی از آن دارای ثبات باشد، وگرنه این دین در طول تاریخ، به واسطه تحریفات، خودخواهی‌ها، زورگویی‌ها و انحراف‌ها بکلی نابود می‌شود. به نظر شهید صدر، هر دین یا نظامی - چه اقتصادی و چه غیراقتصادی - به شرطی کامل و جاودانه خواهد بود که دارای اصول و قوانینی ثابت و قوانینی متغیر - البته به تغییر زمان، موضوعات و شرایط، و به شرط مطابقت با اصول ثابت - باشد (صدر، ۱۴۲۱ق - الف، ص ۵۴؛ صدر، بی‌تا، ص ۲۸). از این‌رو، «انعطاف‌پذیری» بدین معناست که اسلام راه‌کارهای کلی

حوزه حکومت، در تمام ابعاد سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی، با توجه به پیچیدگی‌های حکومت در اعصار گوناگون و تغییرات متعدد و متنوع شرایط، پیامبر صلی الله علیه و آله نه به عنوان پیامبر، بلکه به عنوان حاکم اسلامی، نیاز به تشریح قوانینی داشت که خارج از حوزه منصوصات بود. از این رو، خداوند متعال اجازه تشریح قوانین را مطابق شرایط، به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و جانشینان ایشان اعطا نمود.

قوانین متغیر دارای ویژگی ثانویه است. هریک از افعال و اعمال انسانی در حالت طبیعی، دارای یکی از احکام پنج‌گانه حرمت، وجوب، مستحب، مکروه و یا مباح است. یکی از این احکام پنج‌گانه در حالت طبیعی و اولیه، برای هر رفتار و یا عملی در شریعت اسلام ثبت شده است؛ مثلاً، اینکه انسان به بیابان برود و زمینی را احیا کند، در حالت طبیعی مباح است.

اما احکام ثانویه، احکام الزام‌آوری هستند که در شرایط خاص و غیرطبیعی با رعایت شرایط بر موضوعاتی که احکام مستحب، مباح و یا مکروه دارند، بار می‌شوند. این احکام تا زمانی پابرجا هستند که آن شرایط ثانوی ثابت و استوار باشد. ولی وقتی آن شرایط ثانویه از بین رفت، آن حکم ثانوی نیز از بین می‌رود. در مثال قبل، ممکن است بنا به برخی مصالح، در منطقه‌ای خاص، حاکم اسلامی تصرف در بیابانی را ممنوع اعلام کند که در این صورت، از حالت مباح خارج شده، حکم حرام پیدا می‌کند. یکی از شروط اساسی حاکم اسلامی برای تدوین و وضع قوانین در حوزه منطقه‌الفراغ، مطابقت قوانین با شرایط و مقتضیات زمان است (صدر، ۱۴۲۴ق، ص ۴۴۴). شهید صدر مطابقت با مصالح کلی، مطابقت با اهداف عمومی (همان، ص ۴۴۳)، تأمین نیازهای ضروری و اضطراری جامعه و نظام اسلامی، مطابقت با عدالت اجتماعی - که اسلام آن را بنا نموده است - (صدر،

خودش، باید قوانین ثابت و منصوصی باشد تا این روابط را تنظیم نماید، وگرنه بحران تغییرات برخاسته از سلیقه و هوای نفس، اصل نظام قوانین را، حتی قوانین الهی و مطابق با عدالت، برابری، مساوات، و برادری را در نابودی فرو می‌برد. شهید صدر می‌نویسد: این نظریات قرآنی، که در تحلیل عناصر اجتماعی و درک و فهم روابط جامعه مطرح شده است، می‌تواند دیدگاه تشریح و قانون‌گذاری اسلامی را از بنیاد مشخص سازد (صدر، بی تا، ص ۲۷۹).

ب. قوانین متغیر (منطقه‌الفراغ)

قوانین متغیر، قوانین الزام‌آوری در حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی هستند که توسط پیامبر اکرم، حضرت محمد صلی الله علیه و آله، امام معصوم علیه السلام و یا ولی امر، مطابق مصالح کلی و مقتضیات زمانه تشریح شده‌اند. اصولاً تشریح این قوانین در حوزه حکومت و نظام سیاسی است. بیان شد که احکام منصوص در دو دسته «حرمت» و «وجوب» هستند که ولی امر - مثلاً - در زمان ما، مطابق شرایط زمانه می‌تواند یکی از احکام مباح یا مستحب یا مکروه را حرام و یا واجب اعلام کند (صدر، ۱۴۲۴ق، ص ۸۰۴). البته شهید صدر به روشنی بیان می‌کند که این وظیفه (تشریح قوانین متغیر) را ولی امر می‌تواند به مجلس اهل حل و عقد - که همان متخصصان، یا مجلس شورا باشند - واگذار کند. ولی امر قوانین منصوص را به شرط مخالفت نداشتن با قوانین منصوص (قانون اساسی) تأیید می‌کند (صدر، ۱۴۲۱ق - الف، ص ۲۰-۲۱). از این رو، موضوعات قوانین متغیر اموری است که شرع مقدس هیچ نظر صریح حرمت یا وجوب درباره آنها اظهار نداشته است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله همه احکام منصوص (وجوب و حرمت) و غیرمنصوص (مستحب، مکروه و مباح) را از طرف خداوند متعال دریافت کرده است. اما در

ص ۴۴۳ و ۸۰۴). البته ولی امر با این وصف که حاکم حکومت اسلامی است و نه به این عنوان که نبی و یا امام معصوم است (صدر، ۱۴۲۴ق، ص ۴۴۴). گفته شد که حاکم عالم هستی، خداوند است و فقط او حق تشریح قوانین را دارد و یا فقط اوست که می‌تواند به افراد خاصی اذن دهد که قوانین متغیر را با شرایطی وضع کنند.

با توجه به اینکه شهید صدر در جاهای گوناگون ابراز داشته است قوانین متغیر باید بر اساس احکام شرعی منصوص تدوین شود (الحسینی، ۱۹۸۹ق، ص ۳۵۵-۳۵۶)، از این رو، هرچند مردم - مانند متخصصان -

نیز در مجلس اهل حل و عقد یا مجلس شورای اسلامی می‌توانند قوانینی تصویب کنند، اما تطبیق مخالفت نداشتن این قوانین با قوانین منصوص شرعی و قانون اساسی بر عهده ولی امر و رهبر است که ایشان می‌تواند از مجتهدان جامع‌الشرایط در این امر کمک بگیرد. بدین‌رو، نگهبان و مسئول اصلی قوانین شرع و قانون اساسی رهبر است.

ج. اشکال روابط انسان با انسان و انسان با طبیعت
دایم در حال تغییر است؛ فلسفه وضع منطقه‌الفراغ همین است. شهید صدر چند رابطه را بیان می‌کند که یکی از آنها رابطه «انسان با طبیعت» است. انسان همواره می‌کوشد منابع طبیعی بهره‌برداری کند، طبیعت را مطیع خود سازد و در جهت تأمین نیازهای خویش بیشترین سود را از آن بردارد. انسان در مقابل مقاومت طبیعت، از قانون «تأثیر متقابل بین آموذگی و تمرین در عمل» استفاده می‌کند و از این رو، طبیعت را به تسخیر خود درمی‌آورد (صدر، بی‌تا، ص ۲۴۸). از این رو، می‌بینیم که هر روز بر توان انسان در بهره‌برداری از منابع طبیعی افزوده می‌شود.

شهید صدر می‌گوید: تغییرات اجتماعی در وسایل و ادوات و تحول شخم زدن در دست انسان و تبدیل آن به وسیله‌ای که آن را بخار به حرکت می‌اندازد، نظریه «تغییر

۱۴۲۴ق، ص ۸۰۷) و تضمین روح برادری و مساوات (صدر، ۱۴۲۱ق - الف، ص ۴۹) را از شروط قوانین موضوعه منطقه‌الفراغ می‌داند.

نکته دیگری که باید در اینجا ذکر شود این است که ایشان قوانین متغیر را در صورتی که از مجرای صحیح آن به دست آمده باشد در زمره قوانین شرعی به حساب می‌آورد؛ زیرا حکومت عادلانه، قوانین متغیر را از احکام ثابت اخذ کرده و برای اداره شئون امت و تأمین مصالح عالی اسلام و امت اسلامی وضع نموده است (صدر، ۱۴۲۱ق - ه، ص ۲۶۴).

مبانی قوانین متغیر: قوانین متغیر در نظر شهید صدر، دارای مبانی خاصی است که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

الف. اجازه تشریح این قوانین متغیر از سوی خداوند متعال است. در مبانی بیان شد که حاکمیت علی‌الاطلاق از آن خداوندی است که خالق، مالک و رب انسان‌هاست. خداوند بر انسان، زمین، آسمان و هر آنچه در عالم هستی است، مالکیت دارد و اگر کسی بخواهد قانونی غیر از قوانین الهی وضع و اجرا کند باید با اذن و اجازه خداوند متعال باشد.

ب. مطابق مبانی «استخلاف» - که در مبانی بیان شد - انسان شایستگی خلافت خداوند را بر روی زمین داراست. یکی از مصادیق استخلاف، توانایی تشریح قوانین است. البته هر انسانی نمی‌تواند به این مقام نایل آید. انسان‌هایی شایستگی این مقام را دارند که توانایی علمی فهم قوانین منصوص و نیز مخالفت نداشتن قوانین وضع شده با قوانین منصوص را داشته باشند (علم)، و دچار هیچ‌گونه انحراف و پیروی از هواهای نفسانی نشوند (عصمت و تقوا). از این رو، به اذن خداوند (نساء: ۵۹)، فقط پیامبر ﷺ، امام معصوم ﷺ و یا ولی امر فقط حق قانون‌گذاری در منطقه‌الفراغ را دارند (صدر، ۱۴۲۴ق،

است که متأسفانه بیشتر این اثر در جریان بازداشت‌های ایشان از بین رفته و فقط نه‌بخش از آن باقی مانده است (جعفری، ۱۳۸۴).

در اینجا برخی از اصول کلی و مبانی قانون اساسی شهید صدر را به صورت موجز تبیین می‌نماییم:

اصل اول

محتوا و ماهیت تمام قوانین (قوانین اساسی، قوانین جزائی و کیفری، قوانین مصوب مجلس شورا، قوانین تجارت، قوانین مدنی، آیین‌نامه‌ها و مانند آن)، شکل حکومت، و ویژگی‌های حاکم باید اسلامی باشد (مآئده: ۳). در هر نظام سیاسی، دو مؤلفه مهم «محتوا» و «شکل‌بندی» نظام سیاسی حایز اهمیت است. اگر ماهیت و محتوا بر اساس مکتب خاصی تعریف و تبیین شد، این محتوا و ماهیت بر تمام عرصه‌های داخلی و خارجی نظام سیاسی اثر می‌گذارد. در نظر شهید صدر، اسلام عامل اصلی است که شکل حکومت، قوانین و همه ارکان و اجزای نظام و حکومت را معین می‌کند. مشروعیت اصلی و اساسی حکومت، حاکمان، نهادها، و قوانین به وسیله اسلام تعیین می‌شود. اسلام است که بیان می‌دارد خداوند به خاطر علم، حکمت و مالکیتش بر عالم هستی، حق دارد قوانین را معین و تدوین کند. اسلام است که بیان می‌دارد مردم و انسان‌ها در چه محدوده‌ای حق حکومت کردن و وضع قوانین موردنیاز دارند. اسلام است که بیان می‌کند شکل حکومت چگونه باید باشد و چه کسانی بر انسان‌ها حکومت کنند. اسلام است که بیان می‌کند محدوده مشارکت سیاسی چه قدر و چگونه است. اسلام منبعی کامل برای اداره بشریت به‌شمار می‌رود؛ زیرا به دو نیاز مهم و اساسی بشر (مبنای فکری و نظام اجتماعی) پرداخته است؛ از یک‌سو، عقیده‌ای کامل درباره جهان

در روابط انسان با طبیعت» را ایجاد کرده است (صدر، ۱۴۲۳ق، ص ۷۵۱). از این‌رو، طی زمان‌های گوناگون، بهره‌برداری‌های جدید از طبیعت بر اشکال روابط انسان با انسان‌های دیگر اثر گذاشته، به قوانینی مطابق زمان، مکان و جامعه سیاسی، اقتصادی و مانند آن نیاز است.

د. اسلام دینی جاودانی است. همان‌گونه که در بخش قوانین منصوص بیان شد، مکتب و نظامی کامل و جامع است که توانایی تنظیم مقررات و قوانین موردنیاز حکومت را در طول زمان و بر حسب مصالح و شرایط داشته باشد. لازم است اگر نظام سیاسی در هریک از بخش‌ها، نیاز به قوانین جدیدی داشت که مصالح مقتضی زمانه را علاوه بر مصالح عمومی ثابت تأمین نماید، درمانده نشود و بتواند قوانین موردنیاز را وضع نمایند. حاکم اسلامی باید بتواند مطابق شرایط و مصالح، قوانین جدیدی را عرضه کند.

قانون اساسی

شهید صدر، یکی از شخصیت‌های ذی‌نفوذ در تاریخ سیاسی، همواره در صدد قانونمند ساختن جنبه‌های گوناگون جامعه اسلامی بر اساس مبانی اسلامی بود. در این زمینه، مبانی خداشناختی و انسان‌شناختی ایشان، تأثیر عمیقی بر نوع فلسفه سیاسی ایشان گذاشته است. *لمحة تمهیدیه عن مشروع دستور الجمهوریة الاسلامیه جزو آخرین آثار شهید صدر و پیش‌نویس‌های ایشان بود که توسط آیت‌الله شاهرودی به محضر امام خمینی علیه السلام و در نهایت، مجلس خبرگان راه یافت (ر.ک: جعفری، ۱۳۸۴، ص ۵۷-۶۱) و اثر عمیقی بر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران گذاشت (ر.ک: دکمچیان، ۱۳۷۷، ص ۲۳۱-۲۳۲؛ پناهی ارسنجانی، ۱۳۸۷)، دیگر اثر مهم ایشان *الأسس الاساسیة فی الاسلام یا حقوق اساسی در اسلام**

قوانین و بیان چگونگی نظام سیاسی فقط به عهده خداست. در این صورت، حاکمیت و سیادت واحد خداوند به صورت مطلق محقق می‌شود (صدر، ۱۴۲۱ق - الف، ص ۱۸).

انبیاء اصل «حاکمیت الهی» را در چارچوب شریعت، که وحی آسمانی بود، نهادینه ساختند. بنابراین، حال که خداوند از حاکمیت مطلق برخوردار بوده و شریعت گفتار مستند خداوند است، پس طبیعی است که اعمال حاکمیت باید در چارچوب شریعت اسلام انجام پذیرد (صدر، ۱۴۲۱ق - الف، ص ۱۹).

بسیاری از نظام‌های مردمی لیبرالیستی و کمونیستی مردم را صرفاً ابزار دست خود قرار می‌دهند، درحالی‌که خداوند است که مطابق اسلام، به انسان نقش واقعی عطا نموده است. خداوند انسان را خلیفه خود قرار داده و انسان را به عنوان یکی از عناصر اصلی حاکمیت و حکومت قرار داده، به رسمیت شناخته است. مردم نقش مقبولیت نظام و فعلیت‌بخشی به حکومت، و نقش انتخاب و تعیین همه ارکان نظام اسلامی را نیز بر عهده دارند. قوه مجریه و قوه مقننه تماماً در دست مردم است.

ب. دومین مبنا در این زمینه این است که اسلام مطابق فطرت (روم: ۳۰) انسانی است. به نظر شهید صدر، دین و قوانین دینی از شئون انسانی هستند که همه مردم بر اساس آن سرشته شده‌اند و دین چیزی غیر از «دین حنیف» (دین خالص و توحیدی که همه بشریت را گرد محوری واحد تنظیم می‌کند) نیست، و اگر جوامع بشری مطابق این فطرت حرکت کنند مصالح اجتماعی هم تماماً تأمین می‌شوند (صدر، ۱۴۲۴ق، ص ۳۵۸). ایشان به روشنی در مبانی خود تصریح می‌کنند که اگر ملتی قوانین خود را در چارچوب دین و دین‌داری تدوین ننماید در تمام عرصه‌های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و مانند آن به نابودی و هلاکت دچار

ارائه داده، و از سوی دیگر، نظامی اجتماعی و شامل بر همه ابعاد حیات انسانی، بر اساس آن تدوین کرده است (الحسینی، ۱۹۸۹ق، ص ۳۳۷).

در میان همه اینها، قوانین دارای اهمیت خاصی هستند؛ زیرا مجلس، قوه قضائیه، قوه مجریه و همه ارکان حکومتی به نوعی، با قوانین مواجهند. محتوای تمام قوانین به نظر شهید صدر، باید نشئت‌گرفته از اسلام باشد و یا مخالف با دستورات اسلامی نباشد. از این رو، ایشان اصل اول *الاسس الاسلامیه* خود را «اسلام» قرار داده است (همان). همه قوانین، اجزا و ابعاد نظام سیاسی باید در چارچوب قوانین منصوص و لازم‌الاجرای شریعت خداوندی اسلام باشد. احکام ثابت شرعی، که در فقه به آنها تصریح شده است، به میزان ارتباط با حیات اجتماعی ملت جزو لایتغیر قانون اساسی به‌شمار می‌رود، گرچه در متن قانون اساسی به آنها تصریح نشود (صدر، ۱۴۲۱ق - الف، ص ۱۹).

در اینجا به اختصار، مبانی اصلی و مهم قرار گرفتن اسلام به عنوان منشأ و زیر پایه همه اجزای نظام و حکومت را ذکر می‌کنیم.

الف. در مبانی هستی‌شناختی، وقتی مبنای ما این شد که خداوند متعال مستجمع جمیع صفات کمالی علم، قدرت و حیات، و مالک همه هستی است، اوست که مطابق مصالح انسان‌ها قوانین منصوص و لازم‌الاجرا را به واسطه انبیا در اختیار بشر قرار می‌دهد (بقره: ۲۱۳؛ آل عمران: ۳؛ نساء: ۱۱۳) تا در پرتو آن بتواند به سعادت دنیا و آخرت خود رهنمون شود (بقره: ۳۸). خداوند است که می‌داند چه کسانی شایستگی حکومت را دارند و شکل حکومت چگونه باشد. بر این اساس، لازم است انسانی که بنده خداست تمام قوانین نظام و جامعه سیاسی خود را با مبنای خدامحوری تطبیق دهد؛ زیرا تدوین اصل

می‌شوند (صدر، بی‌تا، ص ۱۷۱-۱۸۱).

اینجا، محورهایی از نقش و جایگاه مردم را در قانون اساسی ایشان بیان کنیم:

ایشان یکی از حقوق اساسی مردم را برخورداری از آزادی در عرصه‌های مختلف می‌داند. از نظر ایشان، دولتی موفق است که بتواند به درستی، حیطه آزادی‌های مردمی را مشخص و تضمین کند. ایشان آزادی‌های مردم را از مسائل مهم می‌داند و خود را ملزم به تبیین حیطه و چگونگی ضمانت اجرای آن می‌داند. از این رو، آزادی‌های مردم را در اصل اندیشه و فکر کردن، اظهار آرا و اندیشه‌ها، فعالیت‌های سیاسی در اشکال گوناگون، برگزاری مراسم و شعائر دینی مخصوص به خود و مانند آن می‌داند و دولت اسلامی را مسئول و ضامن اجرای آزادی‌های مردم می‌شمرد (صدر، ۱۴۲۱ق - الف، ص ۲۲).

یکی از حقوق اساسی دیگر مردم، که باید در قانون اساسی به آن پرداخته شود، تبیین رفاه اقتصادی و اجتماعی و وظایف دولت در قبال رفاه و اقتصاد مردم است. شهید صدر یکی از اهداف، مسئولیت‌های کلان و سیاست‌های مهم نظام سیاسی و جمهوری اسلامی ایران را عینیت بخشیدن به مضامین و محتوای اسلام از طریق برقراری عدالت اجتماعی و ایجاد نظام تأمین اجتماعی و برچیدن فاصله‌های طبقاتی و تأمین حداقل معیشت برای همه شهروندان و توزیع مجدد ثروت با روش‌های مشروع می‌داند، به صورتی که به تحقق اهداف اسلام در زمینه عدالت اجتماعی بینجامد.

یکی دیگر از حقوق اساسی مردم اهتمام به روح، روان و معنویت مردم است که برای شهید صدر، بسیار مهم و لازم‌الاجراست. ایشان انقلاب و تأسیس جمهوری اسلامی در ایران و هر جای دیگر را نهایت کار نمی‌داند. بر خلاف نظر و عمل بسیاری که تشکیل نظام بزرگ اسلامی را هدف می‌دانند، ایشان با توجه به مبنای

ج. سومین مبنایی که زمینه‌ساز قبول اسلام به عنوان محتوای قوانین نظام سیاسی است این است که اسلام دینی جامع و کامل است. شهید صدر شریعت و قوانین اسلامی را مجموعه قوانین و نظام‌هایی می‌داند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای اداره حیات بشر در ابعاد گوناگون فکری، روانی، اجتماعی و سیاسی از جانب خداوند بیان داشته‌اند و از این رو، اسلام منبعی کامل برای اداره بشریت به شمار می‌رود. شهید صدر دو نیاز مهم و اساسی بشر را «نیاز فکری» و «نیاز به نظام اجتماعی» می‌داند که اسلام این دو خواسته را برآورده نموده است؛ هم عقیده کامل درباره جهان ارائه داده است و هم نظامی اجتماعی و شامل بر همه ابعاد حیات انسانی تدوین کرده است (الحسینی، ۱۹۸۹ق، ص ۳۳۷). آیین توحید و یگانه‌پرستی، که فطرت توده‌ها بر آن نهاده شده است، از این نظر برتری دارد که حقیقتاً می‌تواند زندگی توده‌ها را اداره کند (صدر، ۱۳۵۰، ج ۱، ص ۴۰۰).

د. چهارمین مبنا وجود مردم مسلمانی است که در ایران زندگی می‌کنند و به خدا، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه طاهرين عليهم السلام باور دارند. مردم ایران روحانیان متعهد را مبلغان صالح و واقعی اسلام می‌دانند. از این رو، اگر قرار باشد قوانینی در این نظام در تمام عرصه‌ها وضع شود، باید در چارچوب اسلام و قوانین اسلامی باشد. ملت بزرگ ایران به اسلام، ایمان مطلق دارد و آن را مکتب و شریعتی می‌داند که باید زندگی فردی و اجتماعی را بر اساس آن بنا نهد (صدر، ۱۴۲۱ق - الف، ص ۱۸).

اصل دوم

«تبیین نقش و جایگاه مردم» یکی از ویژگی‌های قانون اساسی مورد نظر شهید صدر است. ایشان به نقش مردم در چیدمان نظام سیاسی توجه ویژه داشت. لازم است در

حکومت مطلوبی را موفق می‌داند که بتواند با تکیه بر مبانی حقیقی عالم هستی، قوانین تکوینی و قوانین منصوص الهی، قوانین مورد نیاز جامعه را تدوین کند. خداوند متعال قوانین تکوینی را قرار داده است تا انسان خواهان سعادت با شناخت آنها، بتواند نظام سیاسی خود را مطابق آن تدوین نماید و به سعادت دنیوی و اخروی برسد. قسم دیگری از قوانین، قوانین تشریحی است که شامل قوانین منصوص و قوانین متغیر (منطقة الفراغ) است. قوانین ثابت شرعی از سوی خدا، منطبق با طبیعت و فطرت انسانی و دارای ویژگی ثبات و غیرقابل تغییر «حرمت» و یا «وجوب» است. حکومت اسلامی باید طبق قوانین ثابت، قوانین متغیر خود را تدوین کند. قوانین متغیر از سوی ولی امر و ولی فقیه مطابق مصالح زمانه و طبق قوانین منصوص تدوین می‌شود.

مهم‌ترین نکته انسان‌شناسانه در وضع قوانین، توجه به طغیانگری انسان است که خداوند قوانین ثابت را برای جلوگیری از خوی طغیانگری و میل انسان به ظلم کردن نسبت به ضعفا قرار داده است. مطابق قانون اساسی مورد نظر شهید صدر، ماهیت، قوانین، شکل حکومت و تمام محتوای نظام سیاسی باید بر اساس اسلامیت شکل بگیرد؛ زیرا خداوند مالک، رب و خالق هستی و انسان و صاحب اختیار اوست. بنابراین، نظام سیاسی باید طبق خدامحوری و خط رسالت شکل بگیرد. شهید صدر به نقش و جایگاه مردمی در چارچوب اصل «استخلاف» و جانشینی انسان از سوی خدا بر روی زمین می‌پردازد و جایگاه مردم و حقوق و نقش مردم را بیان می‌کند.

تربیت‌پذیری انسان و وجود دو جبهه بزرگ جهل و عقل، یا دو جبهه بزرگ الهی و شیطانی در انسان، تربیت آگاهانه شهروندان جامعه و نظام سیاسی بر مبنای فرهنگ و بنا نهادن شخصیت اعتقادی مردم بر اساس اسلام را هدف نهایی می‌داند (صدر، ۱۴۲۱ق - الف، ص ۲۲). اگر تربیت انسان و زیربنای فکری و فرهنگی مردم جامعه بر اساس اسلام انجام شد استمرار اسلامیت نظام نیز تضمین می‌شود؛ چنان‌که اگر شخصی بگوید من طلبه هستم، پس مؤمن شده‌ام و خانواده بنده نیز طلبه و مؤمن هستند. غلط است، بلکه باید تربیت اسلامی بر طبق اسلام در ادامه زندگی نیز تداوم بیابد تا اسلامی بودن و انقلاب تداوم بیابد. یکی دیگر از حقوق مردم، حق «استخلاف» بر اساس امانت الهی است. ایشان کلمه «رعی» را در حدیث «کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیت» به معنای مسئولیت عمومی انسان‌ها در مقابل یکدیگر می‌داند. از این رو، حق حاکمیت انسان در طول حاکمیت الهی است. بر این اساس، ملت به بالاترین حد شعور و آگاهی نسبت به مسئولیت خود می‌رسد و به خوبی، این واقعیت را درک می‌کند که همه تصرفاتش به اعتبار خلافتش از جانب خداوند، مشروع است. بنابراین، ملت خود بدون واسطه، صاحب حق حاکمیت نیست، بلکه مسئول و مأمور به ادای وظیفه امانت در برابر خداوند است (صدر، ۱۴۲۱ق - الف، ص ۲۰). نتیجه اسلامیت و مردمی بودن نظام، «جمهوری اسلامی» می‌شود که شهید صدر *لمحة تمهیدیه عن مشروع دستور الجمهوریة الاسلامیة* را در همین زمینه به رشته تحریر درآورد.

نتیجه‌گیری

شهید صدر سنن الهی موجود در تاریخ را بخشی از قوانین تکوینی می‌داند که خداوند متعال به صورت تکوینی در طبیعت و تاریخ قرار داده است. ایشان

منابع

- پناهی ارسنجانلی، سجاد، ۱۳۸۷، «تأثیر اندیشه‌های علامه سیدمحمدباقر صدر در قانون ج.ا.ا»، *علوم سیاسی*، ش ۱۷ و ۱۸، ص ۱۷۳-۱۹۴.
- جعفری، علی، ۱۳۸۴، *صدر شهادت (زندگی و افکار شهید صدر)*، قم، مرکز پژوهش‌های صدا و سیما.
- الحسینی، محمد، ۱۹۸۹ق، *الإمام الشهيد السيد محمد باقر الصدر دراسات فی سيرته و منهجه*، بیروت، دارالفرات.
- دکمیان، هرایر، ۱۳۷۷، *جنبش‌های معاصر در جهان اسلام*، تهران، کیهان.
- سند، محمد، ۱۴۲۶ق، *الاسس النظام السياسي عند الامامية*، مقرر: مصطفی اسکندری و محمدحسن رضوی، قم، مدین.
- صدر، سیدمحمدباقر، بی تا، *سنت‌های تاریخ در قرآن (تفسیر موضوعی)*، ترجمه سیدجمال موسوی اصفهانی، قم، اسلامی.
- ، ۱۳۵۰، *اقتصاد ما*، ترجمه محمد مهدی برهانی، قم، برهان.
- ، ۱۴۲۰ق، *فلسفتنا*، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات.
- ، ۱۴۲۱ق - الف، *الاسلام يقود الحياة*، قم، مرکز الابحاث و الدراسات التخصصية للشهيد الصدر.
- ، ۱۴۲۱ق - ب، *المدرسة الاسلامية*، قم، مرکز الابحاث و الدراسات التخصصية للشهيد الصدر.
- ، ۱۴۲۱ق - ج، *المدرسة القرآنية*، قم، مرکز الابحاث و الدراسات التخصصية للشهيد الصدر.
- ، ۱۴۲۱ق - د، *دروس فی علم الاصول*، الحلقة الثانية، قم، مرکز الابحاث و الدراسات التخصصية للشهيد الصدر.
- ، ۱۴۲۱ق - و، *ومضات*، قم، مرکز الابحاث و الدراسات التخصصية للشهيد الصدر.
- ، ۱۴۲۳ق، *الفتاوى الواضحة*، قم، مرکز الابحاث و الدراسات التخصصية للشهيد الصدر.
- ، ۱۴۲۴ق، *اقتصادنا*، قم، مرکز الابحاث و الدراسات التخصصية للشهيد الصدر.